و الأهواء و النحل» ابن‌حزم اندلسی (۳۸۴-۴۵۶ ق) است که مؤلف در پوستین یک متکلم ظاهری در حوزه ادیان زمانه‌اش داوری می‌کند. البته نکته ظریف دیگر این است که اتخاذ این روش ممکن است نتیجه‌اش ریختن آب به آسیاب دشمن ملحد باشد! جریان الحاد، با هجمه همه‌جانبه و بهره‌گیری از تمام توان رسانه‌ای خود، تفکیکی میان ادیان و پیروان آن قایل نیست؛ بنابراین متأله مسلمانی که فی‌المثل در پی بطلان اصل مسیحیت است، ناخواسته در زمین ملحدان بازی می‌کند.

۲. روش همدلانه. این روش، برعکس شیوه انتقادی، رویکردی تفریطی دارد و فقط قوت‌ها را می‌بیند. متکلم در این شیوه، با عینک پیروی آن دین به پدیده‌ها می‌نگرد و اصطلاحاً در پوست دین مقصد می‌رود و سعی دارد به روح آموزه‌ها که همیشه در پس الفاظ پنهان‌اند، نزدیک شود. مهم‌ترین آفت این روش این است که ممکن است زیبایی‌نمایی‌های دینِ مقصد او را بفریبد و محقق دلداده، از دالان عینیت به سلامت عبور نکند و اغراق نماید.

۳. روش گزارشی که رویکردی توصیفی ـ تحلیلی دارد و پژوهشگر با فراغت کامل و بی‌حب و بغض به آموزه‌ها می‌نگرد. این روش البته به دور از داوری الهیاتی است؛ زیرا داوری الهیاتی فقط در شیوه انتقادی صورت می‌گیرد. از ویژگی‌های مهم این روش علمی، حس حقیقت‌جویانه و حق‌پرستانه است. در این روش، تبیین بر تطبیق سبقت دارد و بنابراین شناخت «روح کلی» یک دین، بر اتخاذ تک‌گزاره انتخابی دین‌پژوه اولویت دارد.

آری! پایبدن تمام اطراف سخن ادیان دیگر، شرط اول و سنگ بنای گفت‌وگوی بنیادینی هم هست. علامه طباطبایی در «قرآن در اسلام، ص۳۰» می‌گوید: «کسی که با تأمل عمیق در بخش اوپانیشادی ویدای هندی دقت کند و همه اطراف سخن را بپاید، برخی را با برخی دیگر تفسیر کند، خواهد دید که (این متن) جز توحید خالص و یگانه‌پرستی ندارد». فهم دقیق، صداقت‌ورزی و رعایت امانت، مهم‌ترین شرایط ورود به پژوهش در حوزه مطالعات ادیان است. امام حسن عسکری به نقل از رئیس مذهب شیعه(علیهمالسلام) می‌فرماید:

«جدال غیرأحسن، جدالی است که تو حقی را انکار می‌کنی و نمی‌توانی میان سخنان حق و باطل طرف مقابلت تفاوت قائل شوی و می‌خواهی با انکار حق، او را از باطل بازداری. این کار حرام است؛ زیرا تو نیز مانند او که حقی را منکر شده، حق دیگری را انکار کرده‌ای.» (احتجاج طبرسی، صص۱۴ و ۱۵)

امام خمینی نیز در این باره می‌گوید: «... اگر قومی با ما موافق نشدند، نباید ما به مناسبت احراز عداوت کلی، زمزمه مخالفت کلی با آن‌ها سر داده و حرف حق را به جهت مخالفت با آن‌ها قائل نشویم، والاّ اگر بنا بر این باشد، ما باید به تمام الهیین عالَم بنای مخالفت گذاشته و اعتقاد به وحدانیت و توحید را هم از دست بدهیم.» (تقریرات فلسفه، ج۱، ص۲۸۴)

فراست مسلمانی و دفاع از حقیقت رحمانی

به نظر می‌رسد آن‌ها که دغدغه دفاع‌گرایانه از دین دارند، باید همان روش انتقادی را برگزینند. البته سفارش ما در اتخاذ این روش، پالایش آن از آسیب‌های جدی و دامن‌گیر آن است. متکلم حین ارزیابی باید بر مدار سفارش قرآن، یعنی «جدال أحسن» (ادْعُ إِلِى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... / نحل، ۱۲۵) مشی کند. آنچه از آسیب‌های روش انتقادی آمد، باید با زیور محاسن روشِ گزارشی مرتفع شود و در حقیقت، روش «جدال أحسن»ی مبنای مطالعات تطبیقی گردد که به تمام معنا با موازین «حکمت» و «موعظه حسنه» چونان زوجی منطقی همدم باشد تا «جدال أحسن» مورد پسند قرآن قوام گیرد. این ظرافت البته در حوزه نظر است و اما در حوزه عمل، راسخونی را می‌طلبد که در داوری‌های الهیاتی‌شان شأن صداقت و حق‌پرستی را محترم شمرده و رعایت کنند؛ باشد که این الگو، روزگاری در سبک گفت‌وگوهای توسعه‌آمیز عقلانیت مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن دیده شود و به ثمر نشیند.

شکست مبادا در هماورد باید

در حوزه مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی ادیان، باید توجه داشت که اساس تحول و بالتبع دگرگونی روش‌های منسوخ و کهنه پیشین، اتخاذ روش «موضوع‌محوری» در پژوهش‌های تطبیقی است. برخورداری از روش حل مسئله، ما را از حرکت کرگدن‌وار ـ که منجر به دیکتاتوری علمی می‌شود ـ و خودبسندگی به داشته‌ها و بالتبع انبان اطلاعات در توبره ذوق‌زدگی شخصی می‌رهاند و افق جدیدی را در راه توسعه علوم بازمی‌گشاید. پژوهشگر باید مسئله را از مشکل تفکیک کند و مسئله‌نما را از مسئله واقعی تمییز دهد و مبانی را از مسائل جدا کند تا حوزه مطالعاتی و دغدغه‌مندش مسائل درجه یک باشد.

مطالعات ادیان، اندیشه ما را از حصار دالان تاریک خودبسندگی خارج می‌کند و با دنیایی از مفاهیم مشابه و گاه برابر مواجه می‌کند که بررسی آن‌ها با داشته‌های دینِ مبدأ، می‌تواند سرآغاز همپرسه‌های (Dialogue) بنیادینی شود. مطالعات تطبیقی (با تأکید بر علوم دینی) باید در الگوهای توسعه علوم انسانی دیده و تأکید شود. به اعتقاد ما این حوزه یک "باید" همیشگی است که نیاز نسل پویای حاضر و حقیقت‌خواه جهان ناظر است و بالتبع گریزی از آن نیست و البته در این رهگذر، "مبادا"های محتاطانه «حافظ»ان علوم! (و نه لزوماً توسعه‌دهندگان آن) چونان بادهای موسمی، نظر به ماهیت گذری‌شان، فقط باید تحمل شوند تا آمدنشان رفته شود!



***دانش‌آموخته حوزه علمیه مشهد و دانشگاه ادیان و مذاهب قم**